



Examining the Theory of Techniques of Neutralization in Juvenile Delinquency: A Case Study of Minors at the Correction and Rehabilitation Center of Khorasan Razavi Province

Hamidreza Danesh Nari¹ | Mohammad Tahan Tarqi²
Seyed Mehdi Seyedzadeh³ | Abolfazl Sherafati⁴

1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. daneshnari@um.ac.ir
2. PhD Student, Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. (Corresponding Author) m.tahan_81@yahoo.com
3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. m.seyedzadeh@um.ac
4. Master's Student, Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. abolfazl.sherafati@um.ac.ir

Article Info

Article type:
Scientific

Received:
2025/04/23

Received in revised form:
2025/08/06

Accepted:
2025/09/04

Keywords:

Techniques of Neutralization, Juvenile Delinquency, Justifying Factors in Crime, Internal Social Controls.

Abstract

The theory of techniques of neutralization, adopting an internalist approach to the causes of crime, considers offenders as aware of social norms and moral values and views the individual as being under the influence of internal social controls. Nevertheless, the theory argues that offenders, in the course of committing a crime, resort to certain justification strategies for their behavior, referred to as techniques of neutralization. These techniques include denial of responsibility, denial of injury, denial of the victim, condemnation of the condemners, and loyalty to favored groups. The primary aim of this field study is to empirically test the applicability of the theory of techniques of neutralization in criminologically explaining the causes of criminal behavior. The study employs a descriptive survey methodology. To examine the impact of neutralization techniques on criminal behavior, the statistical population includes all convicted minors at the Correction and Rehabilitation Center of Khorasan Razavi Province in 2024 (1403 SH), totaling 40 juvenile offenders. Data were collected using a researcher-designed questionnaire, the validity and reliability of which have been confirmed. Given the small sample size, a one-sample t-test was employed. The results indicate a significance level of p-value = 0.000, demonstrating that the use of neutralization techniques by juveniles effectively facilitates the release of their internal social controls. The computed t-statistic is $t = 25.38$, which is significant at the 0.001 level.

How To Cite

Danesh Nari, Hamidreza, Tahan Tarqi, Mohammad, Seyedzadeh, Seyed Mehdi, Sherafati, Abolfazl. (2025). Examining the Theory of Techniques of Neutralization in Juvenile Delinquency: A Case Study of Minors at the Correction and Rehabilitation Center of Khorasan Razavi Province. *Journal of Judgment*, 122(2), 144-170. <http://doi.org/10.22034/judg.2025.2058733.1439>

DOI

[10.22034/judg.2025.2058733.1439](http://doi.org/10.22034/judg.2025.2058733.1439)

Publisher

Publications of the Judiciary of Tehran Province



بررسی نظریه فنون خنثی سازی جرم در بزهکاری اطفال و نوجوانان؛ مطالعه موردی: اطفال و نوجوانان کانون اصلاح و تربیت استان خراسان رضوی

حمیدرضا دانش ناری^۱ | محمد طهان طرقی^۲ | سید مهدی سیدزاده^۳ | ابوالفضل شرافتی^۴

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: daneshnari@um.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه: m.tahan_81@yahoo.com
۳. استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: m.seyyedzadeh@um.ac
۴. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: abolfazl.sherafati@um.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی	نظریه خنثی سازی جرم طی رویکردی درون گرایانه به علل جرم، بزهکاران را آگاه به هنجارهای اجتماعی و ارزش های اخلاقی تلقی می کند و فرد را تحت سیطره کنترل های اجتماعی درونی می بیند. با وجود این، نظریه بر آن است تا نشان دهد که مجرمان در مسیر ارتکاب جرم، برای توجیه رفتارهای خود به شیوه هایی متوسل می گردند که از آن به فنون خنثی سازی جرم تعبیر می شود. این فنون عبارت اند از انکار مسئولیت، انکار خسارت، انکار بزه دیده، محکوم کردن محکوم کنندگان و در نهایت، وفاداری به گروه های مورد علاقه. هدف اصلی این پژوهش میدانی آزمون عملی نظریه خنثی سازی جرم در تبیین جرم شناسانه علل ارتکاب جرم می باشد. این پژوهش به شیوه توصیفی و از نوع پیمایش صورت گرفته است. برای بررسی تأثیر فنون خنثی سازی در ارتکاب جرم، جامعه آماری این پژوهش را تمامی محکومان کانون اصلاح و تربیت استان خراسان رضوی در سال ۱۴۰۳ تشکیل می دهد که دارای ۴۰ نفر جمعیت بزهکار است و همگی در دسته اطفال و نوجوانان قرار می گیرند. ابزار گردآوری داده ها در این پژوهش پرسش نامه محقق ساخته می باشد که روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفته است. با توجه به اندازه کوچک نمونه، در مقاله حاضر از آزمون t تک نمونه ای استفاده شده که حسب نتایج به دست آمده، میزان سطح معناداری برابر $p\text{-value} = 0.000$ می باشد که نشان می دهد به کارگیری فنون خنثی سازی جرم توسط اطفال و نوجوانان در آزدسازی کنترل های اجتماعی درونی آنان مؤثر است. مقدار آماره t محاسبه شده $t = 25.378$ می باشد که در سطح 0.001 معنادار است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۳	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۱۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۳	
کلیدواژه: فنون خنثی سازی، بزهکاری اطفال و نوجوانان، عوامل توجیه کننده بزه، کنترل های اجتماعی درونی.	
استناد	دانش ناری، حمیدرضا، طهان طرقی، محمد، سیدزاده، سید مهدی، شرافتی، ابوالفضل. (۱۴۰۴). بررسی نظریه فنون خنثی سازی جرم در بزهکاری اطفال و نوجوانان؛ مطالعه موردی: اطفال و نوجوانان کانون اصلاح و تربیت استان خراسان رضوی، فصلنامه قضاوت، ۲۲(۲)، ۱۷۰-۱۴۴.
DOI	http://doi.org/10.22034/judg.2025.2058733.1439
DOI	10.22034/judg.2025.2058733.1439
ناشر	انتشارات دادگستری کل استان تهران

مقدمه

درک رفتار مجرمانه کودکان و نوجوانان یکی از دشوارترین و چالش برانگیزترین عرصه‌های مطالعات جرم‌شناختی است. مرز میان تخلف، تجربه‌جویی، انحراف و بزهکاری در این گروه سنی، بسیار ظریف و باریک است. به‌طور کلی هدف از مطالعه بزهکاری اطفال و نوجوانان، بررسی علل شکل‌گیری رفتارهای مجرمانه در دوره رشد و گذار به بزرگسالی است تا از تداوم این رفتارها در سنین بالاتر جلوگیری شود و مسیر بازگشت به جامعه را برای آنها فراهم نماید.

نظریه‌پردازان در حوزه جرم‌شناسی دیدگاه‌های مختلفی را درخصوص تحلیل و تبیین بزهکاری اطفال و نوجوانان مطرح کرده‌اند که یکی از مهم‌ترین آنها نظریه فنون خنثی‌سازی است. همان‌طور که موريس کوهن گفته است، یکی از مهم‌ترین ابهام‌ها درباره رفتار انسان این است که چرا انسان هنجارهایی را که به آنها اعتقاد دارد، نقض می‌کند (ماتزا و سایکس، ۱۳۹۰: ۲۰۶). این پرسش در دل خود یکی از پیچیده‌ترین تضادهای روانی و اجتماعی انسان را پنهان کرده است. پاسخ به این پرسش مستلزم بررسی چندوجهی مسائل روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و البته جرم‌شناختی است. نظریه جرم‌شناسانه‌ای که برای اولین بار در سال ۱۹۵۷ تحت عنوان فنون خنثی‌سازی کنترل‌های اجتماعی از سوی گرشام سایکس و دیوید ماتزا ارائه شد، نشان می‌دهد که این اتفاق چرا و چگونه رخ می‌دهد و افراد بزهکار چگونه با یادگیری و به‌کارگیری فنون خنثی‌سازی، نقض هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را توجیه می‌کنند و به‌عنوان امری مشروع جلوه می‌دهند.

در حال حاضر نظریه فنون خنثی‌سازی به‌واسطه نتایج آزمون‌های تجربی، جایگاه برجسته‌ای در جرم‌شناسی دارد (Nicholson and Higgins, 2017؛ غلامی دون و جوادی حسین‌آبادی، ۱۳۹۹: ۲۱۱). این نظریه با انتقاد از نظریه‌های خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه شروع می‌شود و مخالف این باور است که دنیای بزهکاری دارای ارزش‌ها و هنجارهای متفاوت از دنیای قانونمند است. نظریه‌پردازان فنون خنثی‌سازی معتقدند که حتی بزهکاران نیز به نظام ارزشی حاکم بر جامعه پایبند هستند و برای آن حرمت و احترام قائل می‌باشند (پاک‌نهاد، ۱۴۰۳: ۱۷۸)، اما با استفاده از مکانیسم‌های خنثی‌سازی، خود را از این قیود رهایی می‌بخشند و مرتکب عمل مجرمانه می‌شوند. نظریه فنون خنثی‌سازی به جرم‌شناسی این ظرفیت را می‌دهد تا در تحلیل جرم به عوامل درونی و ذهنی مرتکب توجه نماید و از تحلیل‌هایی که صرفاً عوامل بیرونی - مانند فقر و فشار اجتماعی - را ملاک قرار می‌دهند، فاصله بگیرد. بررسی عوامل روانی در جرم‌شناسی با تمرکز بر انگیزش‌ها، تعارضات درونی و سازوکارهای شناختی مانند توجیه‌گری، به درک بهتر پدیده مجرمانه کمک خواهد کرد. ماتزا معتقد است که با اعمال فنون خنثی‌سازی، کنترل اجتماعی و احترام به ارزش‌های

اخلاقی برای فرد بزهکار تضعیف می‌شود و بزهکار به جایی می‌رسد که در قبال رفتار مجرمانه خود، احساس بی‌مسئولیتی می‌کند (ولد و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۶۶). این فنون عبارت‌اند از «انکار مسئولیت، انکار خسارت، منکر شدن بزه‌دیده، محکوم کردن نهادهای اجرای عدالت کیفری و در نهایت، وفاداری به گروه‌های مورد علاقه» (ماتزا و سایکس، ۱۳۹۰: ۲۰۷). تکنیک‌های خنثی‌سازی ناظر بر مرحله قبل از ارتکاب جرم است و باعث می‌شود تا عقلانیت مجرم مانع از ارتکاب جرم نشود. درواقع منظور از خنثی‌سازی در این نظریه، خنثی‌سازی عقلانیت، کنترل درونی و نیروی وجدان است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۲۰۶۴). بزهکار با به‌کارگیری هریک از این فنون، ارتکاب بزه را برای خود موجه می‌سازد و بدین ترتیب از زیر فشار کنترل‌های اجتماعی موجود خارج می‌شود. به‌عنوان مثال، یک سارق برای سرقت از یک فرد ثروتمند می‌تواند این‌گونه عمل خود را توجیه کند که با سرقت مالی ناچیز از یک ثروتمند، هیچ ضرری به وی نخواهید رسید و این مال در برابر ثروت کلان وی اصلاً محاسبه نمی‌شود. این شیوه در نظریه مذکور «انکار خسارت» نامیده می‌شود. یا اینکه ارتکاب خشونت علیه یک شخص با ویژگی‌های خاص نژادی - مذهبی (که تحت عنوان جرائم مبتنی بر نفرت نیز بحث می‌شود) می‌تواند با شیوه «انکار بزه‌دیده» موجه تلقی شود.

نظریه فنون خنثی‌سازی اغلب نسبت به بزهکارانی قابلیت استناد دارد که ذاتاً ارتکاب بزه را قبیح می‌دانند، اما در پی توجیه آن نیز هستند (کلاتی، ۱۳۹۷: ۶۴). از این رو، تحلیل بزهکاری اطفال و نوجوانان بر اساس این نظریه مطلوب می‌نماید. همچنین اطفال و نوجوانان به‌عنوان افرادی که بیشترین استعداد را برای یادگیری و به‌کارگیری این فنون دارند، بهترین نمونه برای ارزیابی نظریه به‌شمار می‌آیند. سایکس و ماتزا به‌عنوان نظریه‌پردازان اولیه، کار خود را با مطالعه و بحث روی بزهکاری اطفال و نوجوانان شروع کردند (رحیمی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۳). آنها معتقد بودند که علت بزهکاری اطفال و نوجوانان را باید در موقعیت‌های خاصی جست‌وجو کرد که اطفال و نوجوانان در آن قرار دارند، یعنی محیط پیرامون و محیطی که دور هم جمع می‌شوند. تشکل جوانان می‌تواند با تثبیت فنون خنثی‌سازی، موقعیت مناسبی برای ارتکاب جرائم فراهم کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۲۰۶۳). درواقع نظریه بر این معنی استوار است که ارتکاب بزه توسط این افراد به معنای عدم درونی شدن هنجارهای اجتماعی در آنها نیست و حتی می‌توان گفت که با توجه به احساس شرم و گناه پس از ارتکاب جرم در اکثر موارد، ارزش‌های اجتماعی به خوبی در آنها درونی شده است، ولی این بدین معنی نیست که دیگر امکان خنثی شدن این ارزش‌ها و الزامات در اطفال و نوجوانان وجود ندارد (ماتزا و سایکس، ۱۳۹۰: ۲۰۵) و همین مهم ضرورت مطالعه و شناخت عواملی را که موجب خنثی‌سازی می‌شوند، ایجاد می‌کند.

نکته‌ای که نباید از آن غافل شد این است که نظریه فنون خنثی‌سازی متناسب با ساختارهای

فرهنگی و اجتماعی جوامع غربی سازماندهی شده و از این رو، ممکن است کنترل اجتماعی و درونی سازی هنجارها در جامعه ایرانی متفاوت با پیش فرض های نظریه باشد. برخی از پژوهشگران معتقدند که جرم شناسی ایرانی با بحران جدی معرفت شناسی روبه رو است. در این وضعیت بومی سازی در چارچوب معرفت پوزیتیویستی که معمولاً زیر نظر فلسفه تحلیلی عمل می کند، همواره نادیده گرفته شده است، چون نگاه پوزیتیویستی بر قطعیت، جهان شمولی و یقین تأکید دارد، در حالی که جرم شناسی بومی بر زمینه مندی، عدم قطعیت و نگاه نسبی تکیه می کند (سهرابی اسمرود و نجفی توانا، ۱۴۰۱: ۱۳۷). بومی سازی عمدتاً در «مقام داوری علم» انجام می شود، به این معنا که بر موجه سازی و سازگار کردن علم با شرایط و ویژگی های بومی تمرکز دارد (سهرابی اسمرود و نجفی توانا، ۱۴۰۰: ۳۵۶). بدین ترتیب، آزمون عملی و مطالعه میدانی نظریه فنون خشی سازی برای اثبات و کارایی آن در ایران اهمیت دارد و نشان می دهد که این نظریه تا چه اندازه با واقعیت بومی جامعه همخوانی دارد.

در پژوهش پیش رو نگارندگان ضمن ارائه شرحی مختصر از مبانی نظریه مذکور، با هدف ریشه یابی چگونگی به کارگیری فنون خشی سازی توسط اطفال و نوجوانان در سطح شهرستان مشهد، با توجه به حجم بالای بزهکاری این قشر در جامعه کنونی، آن را به طور میدانی در مورد بخشی از اطفال و نوجوانان بزهکار به آزمون گذاشته اند. در این آزمون، با مطالعه محکومانی که همگی در دسته اطفال و نوجوانان قرار می گیرند، ابتدا میزان تأثیر فنون خشی سازی در بزهکاری نمونه ها به طور کلی بررسی شد و به دنبال پاسخ این پرسش بودیم که آیا به کارگیری فنون خشی سازی جرم توسط اطفال و نوجوانان در آزادسازی کنترل های اجتماعی درونی و در نتیجه ارتکاب بزه توسط این افراد مؤثر است یا خیر؟ سپس توصیف فراوانی هریک از این فنون به طور خاص مورد توجه قرار گرفت. نقش متغیرهایی همچون جنسیت و شرایط اقتصادی نمونه ها در به کارگیری فنون مذکور نیز در این پژوهش تحلیل قرار شد. در پایان نیز بررسی شد که آیا استفاده از این فنون توسط اطفال و نوجوانان در خصوص جرائم خاصی همچون جرائم علیه اموال بیشتر صدق می کند یا خیر.

مبانی نظری

برای سال ها جرم شناسان مکتب شیکاگو و به ویژه نظریه پردازان اولیه کنترل اجتماعی، بزهکاری را بیشتر از زاویه عوامل بیرونی بررسی می کردند؛ یعنی معتقد بودند که بی نظمی اجتماعی، ضعف نهادهای نظارتی مثل خانواده و مدرسه و نبود کنترل های بیرونی مهم ترین دلایل ارتکاب جرم هستند. در همین راستا، نظریه های ساختاری هم بیشتر بر نقش محیط و شرایط اجتماعی در شکل گیری بزهکاری تأکید داشتند. اما با مطرح شدن نظریه فنون خشی سازی، تمرکز از بیرون به درون فرد

معطوف شد. درواقع این دیدگاه به تحلیل های جرم شناختی عمق بیشتری بخشید و ثابت کرد که کنترل های درونی - مثل وجدان و نظام ارزشی فرد - نقش مهمی در پیشگیری یا توجیه بزه دارند. برخی پژوهشگران این نظریه را به نوعی ادامه نظریه های یادگیری می دانند و برخی دیگر آن را شکل تازه ای از نظریه کنترل اجتماعی تلقی می کنند (وایت و هینز، ۱۳۹۲: ۱۹۸). نظریه فنون خنثی سازی از جمله نظریه های خردمحور است که با مطالعه مجرم (مجرم محور)، به دنبال ریشه یابی ارتکاب جرم است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۲۰۶۲). فنون خنثی سازی بر نوعی توجیه سازی آگاهانه دلالت دارند (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۲۴) و در این مفهوم، مجرم با توجیه سازی ذهنی پیش از ارتکاب جرم، از آن قبح زدایی می کند. این نظریه به این دلیل که به عنوان مکانیسمی برای نادیده انگاری قید و بندهای اخلاقی و قانونی به کار می رود، می تواند توضیح دهنده اعمالی باشد که ضمن بهره مندی از ظاهر موجه، مجرمانه می باشند (غلامی دون و جوادی حسین آبادی، ۱۳۹۹: ۲۱۱).

ایده اساسی نظریه خنثی سازی این است که افراد بزهکار نیز به ارزش ها و هنجارهای موجود در جامعه آگاهند و نقض این هنجارها در بسیاری از موارد موجب شرمساری بعدی بزهکار می شود و از همین جهت است که با نظریه خرده فرهنگی کوهن به مخالفت برمی خیزد و به عبارتی، ارتکاب بزه را نه نتیجه وجود ارزش های انحرافی در بزهکار، بلکه نتیجه عوامل و بهانه هایی درونی می داند که موجب آزادسازی (خنثی سازی) ارزش ها و هنجارهای جامعه در درون فرد می شود (صفوی، ۱۳۷۰: ۳۰)؛ شیوه هایی که فنون خنثی سازی جرم نامیده می شوند. «این شیوه ها عنصر ضروری برای تعاریف مناسب و مستعد برای نقض قانون است» (ماترا و سایکس، ۱۳۹۰: ۲۰۷). این فنون موجب تعلیق موقت برخی باورهای فرد مانند اخلاق و تعهد به رعایت قانون در هنگام ارتکاب جرم می شود و احساس گناه را برای بزهکار بی اثر می کند (اوبراین و یار، ۱۳۹۴: ۲۱۹). به عبارت دیگر، این فنون موانع درونی را که فرد را از رفتارهای ناقض قانون باز می دارد و نقش پیشگیرانه ایفا می کند، خنثی می کند (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۱۵). بزهکاران در سایه فنون خنثی سازی، خود را محق ارتکاب جرم می دانند و ممکن است منافع حاصل از ارتکاب جرم را ناشی از هوش و استعداد خود بدانند. زیست مجازی بزهکاران از جمله عواملی است که می تواند منجر به افزایش توسل به این فنون شود (ایزدی، ۱۴۰۰: ۲۵۵). در ادامه هریک از این فنون به طور خلاصه تشریح می شود.

۱. **انکار مسئولیت:** مرتکب با به کارگیری این شیوه سعی در غیر عمدی یا اتفاقی جلوه دادن رفتار خود می کند و خود را با توجه به شرایط و اوضاع و احوال موجود، بی تقصیر فرض نموده و نقش خود را در میان عوامل دیگر ناچیز قلمداد می کند. به بیان دیگر، بزهکار همیشه برای خود نقشی منفعل قائل است. عبارتی که در این شرایط بیشتر از مرتکب شنیده می شود این است که «منظورم این نبود» (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۳: ۲۹۲). از موارد استفاده از این فن به عنوان مثال

می‌توان اشخاصی را ذکر کرد که به‌طور دائم تقصیر تخلفات خود را به‌گردن دولت می‌اندازند (رحیمی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۷).

۲. انکار خسارت: انکار خسارت وقتی است که مرتکب ادعا می‌کند رفتار وی موجب هیچ ضرری نخواهد شد. در این موارد شخص با اینکه علم به نادرست بودن عمل خود دارد، آن را با فرض اینکه به کسی خسارتی وارد نمی‌شود، توجیه می‌کند. در این حالت شخص انجام عمل غیرقانونی را منکر نمی‌گردد، بلکه آن را بی‌ضرر قلمداد می‌کند (Byers, Krider and Biggers, 1999: 85). بهترین مثال برای این شیوه وقتی است که مرتکب از شخص ثروتمندی سرقت می‌کند و باور دارد که با این سرقت هیچ خسارتی به وی و ثروت هنگفت او وارد نمی‌شود. ادعای مرتکب نیز با عباراتی همچون «من واقعاً نمی‌خواستم به کسی آسیب برسانم» بیان می‌شود (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۳: ۲۹۲).

۳. انکار بزه‌دیده: در این مورد مرتکب هم ارتکاب عمل مجرمانه را می‌پذیرد و هم ورود ضرر را انکار نمی‌کند، بلکه بزه‌دیده را مستحق آن اقدام می‌داند. این فن می‌تواند به دو صورت استفاده گردد؛ یکی مواردی است که بزه‌کار، بزه‌دیده را مستحق سرزنش و ارتکاب بزه می‌داند و عمل خود را نوعی انتقام در مقابل خطای اولیه بزه‌دیده قلمداد می‌کند و یا فعل خود را دفاع مشروع در مقابل وی تلقی می‌کند؛ مانند اعمال غیرقانونی که کارگران در مقابل کارفرمایان به علت عدم پرداخت حقوق حقه خود مرتکب می‌شوند. شکل دیگر مواردی است که بزه‌دیده غایب یا ناشناخته است؛ مانند جرائم علیه اموال سازمان‌ها و ادارات که بزه‌دیده عینی وجود ندارد. در قسم دوم، شخص به‌طور مستقیم با بزه‌دیده‌ای روبه‌رو نیست و به‌راحتی وی را نادیده می‌گیرد؛ مانند سرقت اموال رهاشده‌ای که مالک آن مشخص نیست (قلی‌پور و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۸). در این مورد نیز ادعای بزه‌کار این است که «آنها حقشان بود» (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۳: ۲۹۲).

۴. محکوم کردن محکوم‌کنندگان: در این شکل از فنون خنثی‌سازی شخص به کسانی که عمل وی را محکوم می‌کنند، حمله می‌کند و معتقد است پلیس و قضات خود مفسد و رشوه‌خوار هستند و کارکرد این مورد نیز منحرف کردن ضمانت‌اجراهای منفی ناشی از نقض هنجارهاست، به شکلی که با حمله به دیگران، خطای موجود در رفتار خود را پنهان یا مفقود می‌کند (ماترا و سلیکس، ۱۳۹۰: ۲۱۱). بزه‌کاران در این شرایط معمولاً این عبارت را مورد استفاده قرار می‌دهند: «همه به من بند می‌کنند» (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۳: ۲۹۲).

۵. وفاداری به گروه‌های مورد علاقه: در این مورد نیز شخص به عمل ناهنجار خود و موجب ضرر شدن آن اذعان دارد و حتی بزه‌دیده خود را نیز انکار نمی‌کند، اما معتقد است که من این عمل را برای خودم مرتکب نشدم. درواقع مرتکب با ادعای متعهد بودن به هنجاری گروهی، این عمل

را توجیه می‌کند؛ مانند گروه دوستان. در این حالت، شخص علاوه بر پذیرش هنجارهای عمومی، خود را ملزم به پایبندی به هنجارهایی خاص نیز می‌بیند و در تعارض بین این دو دسته هنجار قرار می‌گیرد و با نقض ارزش‌های عمومی، وفاداری خود را به هنجارهای خاص بروز می‌دهد، مانند زمانی که نوجوان پس از ارتکاب بزه اظهار می‌دارد که باید به دوستم کمک می‌کردم (ماتزا و سایکس، ۱۳۹۰: ۲۱۲). عبارتی که به‌طور معمول مورد استفاده قرار می‌گیرد این است که «این کار را برای خودم نکردم» (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۳: ۲۹۲).

یکی از اشکال رایج تنبیهی نسبت به اطفال و نوجوانان بزهکار در نظام قضایی ایران، نگهداری آنها در کانون اصلاح و تربیت می‌باشد؛ محلی که در آنجا از طریق اعمال برنامه‌های حمایتی، درمانی، تربیتی و آموزشی، به اصلاح و بازپروری اطفال و نوجوانان پرداخته می‌شود. در این مرکز اقدامات درمانی و تربیتی بر روی اطفال و نوجوانان توسط مددکاران اجتماعی صورت می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین وظایف مددکاران کانون، آماده نمودن مددجویان برای بازگشت به محیط آزاد است و این آماده‌سازی از طریق سازگار کردن آنها با زندگی اجتماعی صورت می‌پذیرد. این اقدامات همان است که ما تقویت کنترل‌های اجتماعی می‌نامیم. درواقع کانون اصلاح و تربیت تحت آموزه‌های پیشگیری رشدمدار، مشکلات فردی، خانوادگی و تحصیلی مددجویان را مورد هدف قرار داده و برنامه‌های حمایتی خود را در جهت برطرف کردن آنها متمرکز می‌نماید (میرکمالی و حسینی، ۱۳۹۴: ۱۱۶-۱۱۵). از این رو، شناخت مکانیسم‌های ذهنی و انگیزشی نوجوانان بزهکار می‌تواند در پیشبرد اهداف و وظایف کانون اصلاح و تربیت مؤثر واقع شود.

سیاست‌گذاری در حوزه تعیین واکنش کیفری عمدتاً با دو رویکرد پیامدگرا و غیرپیامدگرا شکل می‌گیرد. در پرتو رویکرد غیرپیامدگرا، نظام عدالت کیفری صرفاً به دنبال کیفردهی به بزهکاران است، بدون آنکه توجهی به آینده بزهکاران پس از تحمل کیفر داشته باشد. اما در رویکرد پیامدگرا، تبعات ناشی از کیفر دادن مجرمان گرانگاه شکل‌گیری سیاست جنایی است. بر این اساس، سامانه دادگری جنایی به آینده بزهکاران پس از خروج از سامانه عدالت توجه دارد. بنابراین مهم‌ترین هدف این رویکرد پیشگیری از تکرار جرم و اصلاح مرتکبان جرائم است. با وجود ایرادات متعددی که به نظام اصلاح و درمان وارد می‌شود، همچنان اصلاح مجرمان شاخص‌ترین هدف سیستم قضایی به‌شمار می‌رود و دستیابی به این هدف در گرو استفاده از روش‌های اثرگذار و متناسب فردی می‌باشد. تدابیر نظام عدالت جنایی زمانی می‌تواند در حوزه اصلاح بزهکاران اثربخش باشد که با درک صحیح مفاهیم و یافته‌های جرم‌شناسانه و کیفرشناسانه همراه باشد. بنابراین سیاست‌گذاران عدالت جنایی باید با آموزه‌های جرم‌شناختی آشنا شوند و زمینه اجرایی اهداف اصلاحی را فراهم آورند (خواجه نوری و نیازپور، ۱۳۹۴: ۶۱۸).

در این راستا، یکی از دستاوردهای نظریه فنون خنثی سازی این است که نگاه نظام عدالت کیفری به بزهکار را تغییر می دهد. این نظریه نشان می دهد که بسیاری از بزهکاران، انسان های ضداجتماعی و بیگانه با ارزش های جامعه نیستند، بلکه در موقعیت های خاص، پابندی به ارزش ها را کنار گذاشته و نقض هنجار را توجیه می کنند. کاربرد فنون خنثی سازی به عنوان یک مانع جدی در مسیر دستیابی به اهداف برنامه های اصلاحی مطرح است. این فنون، با ایجاد سازوکارهای توجیهی و دفاعی، مانع از پذیرش مسئولیت فردی در قبال جرم ارتكابی می شوند و بدین ترتیب، فرایند تحول و بازسازی فرد را با چالش مواجه می سازند. در مقابل، پذیرش مسئولیت به عنوان یک پیش شرط اساسی برای موفقیت در فرایند اصلاح تلقی می شود، زیرا این پذیرش زمینه را برای خودآگاهی، تغییر نگرش ها و در نهایت، اتخاذ رفتارهای منطبق با هنجارهای اجتماعی فراهم می آورد. از این رو، تلاش برای کاهش کاربرد فنون خنثی سازی و تقویت حس مسئولیت پذیری در میان مجرمان، از جمله الزامات اساسی در طراحی و اجرای برنامه های اصلاحی کارآمد به شمار می رود. در نتیجه برنامه های اصلاحی بجای تأکید بر آموزش ارزش های کلی، بهتر است بر شناسایی و اصلاح فرایندهای ذهنی و زبانی ای متمرکز شوند که فرد از طریق آنها رفتار خود را توجیه می کند. این رویکرد در سیاست جنایی اطفال و نوجوانان اهمیت بیشتری دارد. در سیاست گذاری برای این گروه، بجای تمرکز بر مجازات، می توان از روش هایی استفاده کرد که شناخت اخلاقی، مسئولیت پذیری و بازسازی نگرش آنها را تقویت کند و امکان بازگشت به زندگی اجتماعی را فراهم آورد. بنابراین نظریه فنون خنثی سازی اهمیت پذیرش مسئولیت اعمال فردی در برنامه های اصلاحی را روشن می سازد.

علاوه بر این، این پژوهش تلاشی در راستای بومی سازی جرم شناسی به حساب می آید. بومی سازی علوم انسانی، به ویژه در حوزه جرم شناسی، از اهمیت بسیاری برخوردار است، چراکه بسیاری از نظریه ها و الگوهای رایج در این علم مبتنی بر شرایط فرهنگی، اجتماعی و تاریخی جوامع غربی شکل گرفته اند و ممکن است در تبیین و حل مسائل بومی ایران ناکارآمد یا حتی گمراه کننده باشند. جرم شناسی بومی می کوشد با تکیه بر ویژگی های خاص فرهنگی، دینی، اقتصادی و اجتماعی جامعه خود، رویکردهایی متناسب با واقعیت های محلی ارائه دهد و از این رهگذر، راهکارهای اثربخش تری برای پیشگیری و کاهش جرم فراهم آورد. به عبارت دیگر، بومی سازی جرم شناسی فرایند درونی سازی کنترل جرم با تعقل و اندیشه ایرانی در بستر اجتماعی است (سهرابی اسمرود و نجفی توانا، ۱۴۰۱: ۱۲۴). بومی سازی با حفظ ارتباط خود با نظریه های پیشین، رویکردی گزینشی و انتقادی نسبت به نظریات وارداتی غربی اتخاذ می کند؛ به این معنا که آنها را بر اساس نیازها و شرایط ملی، استانی و محلی ارزیابی می کند و پس از پالایش و تطبیق با زمینه های

بومی، به شکل متناسب با فرهنگ و واقعیت‌های جامعه باز تولید می‌نماید (نجفی توانا و سهرابی اسمرود، ۱۴۰۰: ۳۵۳). در این پژوهش، منظور از بومی‌سازی نظریه فنون خنثی‌سازی در ایران، تطابق این نظریه با فرهنگ، ارزش‌ها و نیازهای اجتماعی است که این امر از طریق سنجش عملی نظریه تحقق می‌پذیرد و در نهایت می‌توان از سیاست‌ها و تدابیر منبعث از این نظریه در راستای پیشگیری و کنترل جرم استفاده نمود (تاج خراسانی و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۲۳).

پیشینه پژوهش

۲-۱. پژوهش‌های نظری

متأسفانه درخصوص موضوع فنون خنثی‌سازی جرم، منابع فارسی بسیار معدودی یافت می‌شود که از همین منابع معدود نیز هیچ‌کدام به‌طور مستقیم به موضوع مذکور نپرداخته‌اند. برای مثال می‌توان به مقاله «نظریه خنثی‌سازی جرم و ارتباط آن با عدالت ترمیمی» نوشته اسمعیل رحیمی‌نژاد، مهدی آقایاری و غلامرضا قلی‌پور (۱۳۹۴) اشاره کرد. علی‌رغم مفید بودن پژوهش مذکور، ذکر دو نکته درخصوص این مقاله لازم می‌نماید؛ اول اینکه اگرچه در این تحقیق مفاد نظریه خنثی‌سازی جرم بحث و ایرادات این نظریه مطرح می‌شود، اما در حد مرور نظری مباحث گذشته (منابع خارجی) است و مطلب جدیدی درخصوص اصل و مفاهیم نظریه ارائه نمی‌شود و البته که مراد نویسندگان نیز از ابتدا این نبوده است و دوم اینکه پژوهش مذکور تمرکز بیشتری بر بحث عدالت ترمیمی دارد و نظریه خنثی‌سازی را صرفاً مبنایی برای مفاهیم عدالت ترمیمی قلمداد می‌نماید. لذا همان‌طور که ذکر شد، ارتباط این پژوهش با موضوع مورد نظر ما مفقود است. مقالاتی چون «کارکردهای پیشگیرانه شفافیت در سیاست جنایی» نوشته عادل ساریخانی و روح‌الله اکرمی‌سراب (۱۳۹۲)، «رویکرد جرم‌شناختی به جعل هویت برای ارتکاب کلاهبرداری» نوشته حسین میرمحمدصادقی و افشین آذری‌متین (۱۳۹۵) و مقاله «برساخت ذهنی رانندگان متخلف به دلیل تخلف از قوانین راهنمایی و رانندگی» نوشته نادر رازقی و مهدی بولاغی (۱۳۹۵) نیز به‌طور کاملاً فرعی یا در مبحثی کوتاه به نظریه خنثی‌سازی جرم اشاره‌ای نموده‌اند که همان‌طور که گفته شد، به هیچ وجه کافی به نظر نمی‌رسد. در نهایت باید اذعان داشت در این خصوص نمی‌توان از منبعی مفید که تأمین‌کننده نیازهای محققان باشد یاد کرد.

کمیت و کیفیت پژوهش‌های مرتبط با موضوع خنثی‌سازی جرم به زبان انگلیسی کاملاً متفاوت از آن چیزی است که در زبان فارسی مشاهده می‌شود. این آثار در دو دسته قابل بررسی است. دسته اول آثاری است که به طرح نظریه خنثی‌سازی جرم و شرح و گسترش آن مربوط می‌شود؛ جایی که خالقان نظریه -گرشام سایکس

و دیوید ماتزا در سال ۱۹۵۷ با ارائه مقاله‌ای با عنوان «فنون خنثی‌سازی» کار خود را آغاز نمودند. در این مقاله برای اولین بار نظریه خنثی‌سازی جرم ارائه و تبیین شد و نظریه‌پردازان هر پنج فن خنثی‌سازی را تشریح نمودند. اما کار آنها به این مقاله ختم نشد و پس از آن نیز ماتزا با انتشار کتاب «بزهکاری و سرگردانی» (۱۹۶۴) به تشریح علل بزهکاری نوجوانان از همین دیدگاه پرداخت. ماتزا در این کتاب برای اولین بار مفهوم «سرگردانی» را در مورد نوجوانان به‌کار برد و منظور وی حالتی بود که نوجوان بین دو قطب رفتارهای متعارف و نامتعارف سرگردان است بدون آنکه خود را کاملاً پایبند به یکی از آن دو بداند. وی معتقد بود که اغلب افراد در نهایت به سمت رفتار متعارف و زندگی با الگوی مناسب خواهند رفت (وایت و هینز، ۱۳۹۲: ۱۹۹).

پس از آن نویسندگان دیگری به شرح و بسط نظریه پرداختند که می‌توان به ریچارد آلن بال با مقاله «پیش‌تجربی نظریه خنثی‌سازی» (۱۹۶۶) اشاره کرد. وی در این مقاله ضمن تقویت نظریه و پذیرش فنون خنثی‌سازی توسط بزهکاران، به بحث در مورد زمان پذیرش این فنون توسط بزهکار می‌پردازد و اینکه آیا این فنون قبل از ارتکاب بزه قبول و به‌کار گرفته می‌شوند یا در حال ارتکاب به‌کارگیری می‌شوند یا پس از ارتکاب (Ball, 1966: 28). مقاله دیگری که می‌توان نام برد از جوزف شلی است با عنوان «آیا خنثی‌سازی برای رفتار مجرمان ضروری است؟» (۱۹۸۰). وی در این مقاله به این مسئله می‌پردازد که آیا بزهکاران و اشخاص عادی در پذیرش هنجارهای متعارف جامعه با یکدیگر متفاوتند یا اینکه لزوماً این‌گونه نمی‌باشد و در این راستا، آیا به‌کارگیری فنون خنثی‌سازی توسط مجرمان ضروری است یا خیر؟ همچنین ویلیام مایر در مقاله‌ای با عنوان «فنون خنثی‌سازی: بازاندیشی و آزمون تجربی» (۱۹۸۱) این نظریه را نقد و تحلیل نموده. به‌عنوان مثال، در بخشی از مقاله به نقد مفهوم انکار بزه‌دیده می‌پردازد و آن را دارای دو معنای متفاوت می‌داند: یکی قربانیانی که برای بزهکار شناخته‌شده و مستحق بزه هستند مانند همجنس‌گرایان و گروه‌های اقلیت و دیگری قربانیانی که برای بزهکار ناشناس‌اند و معنای دوم را به تعبیری مشمول مفهوم انکار خسارت تلقی می‌کند (minor, 1981: 297-298). موئل کاپتین و مارتین ون هلورت در مقاله‌ای با عنوان «مدلی از تکنیک‌های خنثی‌سازی» (۲۰۱۹)، بسط و توسعه این نظریه را مورد توجه قرار داده‌اند. آنها در این پژوهش با رویکرد قیاسی و استقرایی، تکنیک‌های خنثی‌سازی را به چهار گروه اصلی، دوازده تکنیک و شصت زیرتکنیک توسعه می‌دهند و نتیجه می‌گیرند که این مدل نحوه عملکرد فنون خنثی‌سازی را به‌طور جامع و به‌روز نشان می‌دهد. دسته دیگر تحقیقاتی است که در آن جرم‌شناسان به بررسی و مطالعه نظریه مذکور به‌طور موردی و در جرائم خاص پرداخته‌اند. برای مثال می‌توان به مقاله توماس برایان

و جان مک‌گریس با عنوان «فنون خنثی‌سازی: مصرف‌کنندگان جوان ماری‌جوآنا» (۱۹۷۰) اشاره کرد. در مقاله مذکور نویسندگان ابتدا اثبات نمودند که فنون خنثی‌سازی توسط غیر اطفال و نوجوانان نیز به‌کار گرفته می‌شود و سپس به بحث از انحراف جوانان در مصرف ماری‌جوآنا با استفاده از این نظریه پرداخته‌اند. همچنین مقاله رابرت اگنو با عنوان «فنون خنثی‌سازی و خشونت» (۱۹۹۴) به این مطلب می‌پردازد که اشخاص بسیار کمی با اعمال خشونت موافق هستند و اگر چه هر دو دسته مخالف و موافق رفتار خشونت‌آمیز از فنون خنثی‌سازی در اعمال خشونت استفاده می‌کنند، ولی این افراد مخالف خشونت هستند که بیشتر برای اعمال خشونت فنون خنثی‌سازی را به‌کار می‌گیرند. علاوه بر این، ده‌ها کتاب و مقاله دیگر نیز تألیف شده که می‌تواند در انجام پژوهش در این زمینه مفید واقع شود.

۲-۲. پژوهش‌های میدانی

در ایران تحقیقات در زمینه موضوع پژوهش کاملاً فقیر است و تقریباً هیچ‌گونه پژوهش میدانی که به‌طور جدی و ویژه به بررسی فنون خنثی‌سازی در میان طیفی از افراد بزه‌کار بپردازد، وجود ندارد؛ اما در سه پژوهش ارجاع‌اتی به این نظریه شده است. مقاله‌ای با عنوان «تقلب در امتحان؛ نگاهی از درون» نوشته فردین علیخواه، مهدی بولاغی و هدی یاقوتی (۱۳۹۳) محل توجه است که با استفاده از روش مصاحبه با تعدادی از دانش‌آموزان به بحث تقلب در امتحان به‌عنوان یک انحراف و تأثیر فنون خنثی‌سازی سایکس و ماتزا در آن پرداخته است. مقاله‌ای دیگر نیز با عنوانی تقریباً مشابه - «تقلب در امتحان؛ چرا؟» - نوشته شکوفه راستگو جهرمی و زهرا هاشمی (۱۳۹۵) منتشر شده که نویسندگان با همان شیوه مصاحبه و کتابخانه‌ای به چرایی تقلب به‌عنوان یک انحراف پرداخته‌اند و در تحقیق خود نیز از مبانی فنون خنثی‌سازی کمک گرفته‌اند. پژوهش دیگری نیز هست با عنوان «بررسی رابطه بین باورهای اخلاقی و ارتکاب سرقت‌های خشن» (مطالعه موردی زندان‌های تهران) «نوشته شهلا معظمی (۱۳۹۶) که کمتر با موضوع این مقاله مرتبط است و در بخشی از آن صرفاً به بحث فنون خنثی‌سازی اشاره‌ای شده است.

در حوزه پژوهش‌های میدانی مربوط به فنون خنثی‌سازی جرم به زبان انگلیسی مقالات زیادی منتشر شده و نویسندگان زیادی به آزمون تجربی این نظریه از طرق مختلف پرداخته‌اند. برای مثال می‌توان به این مقالات اشاره کرد: مقاله «محرك جرائم مبتنی بر نفرت؛ مطالعه فنون خنثی‌سازی در مجرمین و جرائم مبتنی بر نفرت علیه فرقه آمیش» (۱۹۹۹) نوشته برایان بایرس ، بنجامین کریدر و گریگوری بگرس که با ابزار مصاحبه و با استفاده از روش گلوله‌برفی درباره فنون خنثی‌سازی در مرتکبان جرائم مبتنی بر نفرت پژوهش

نموده‌اند. آنها در کار خود به تحلیل جرائم ارتکاب یافته علیه فرقه آمیش پرداخته و ثابت کرده‌اند که مرتکبان این جرائم برای توجیه رفتار خود از فنون خنثی‌سازی استفاده می‌کنند. همچنین مقاله «آثار نظریه فنون خنثی‌سازی و انتخاب عقلانی بر سوءاستفاده از اینترنت در محیط کار» (۲۰۱۳) نوشته ونلی لی با استفاده از روش پرسش‌نامه در جمع‌آوری داده‌ها از بین پانصد کارمند از پانزده شرکت تجاری به تحلیل فنون خنثی‌سازی پرداخته که این پرسش‌نامه‌ها هم از طریق کاغذی تکمیل شده و هم از روش برخط برای تکمیل آن اقدام شده است.

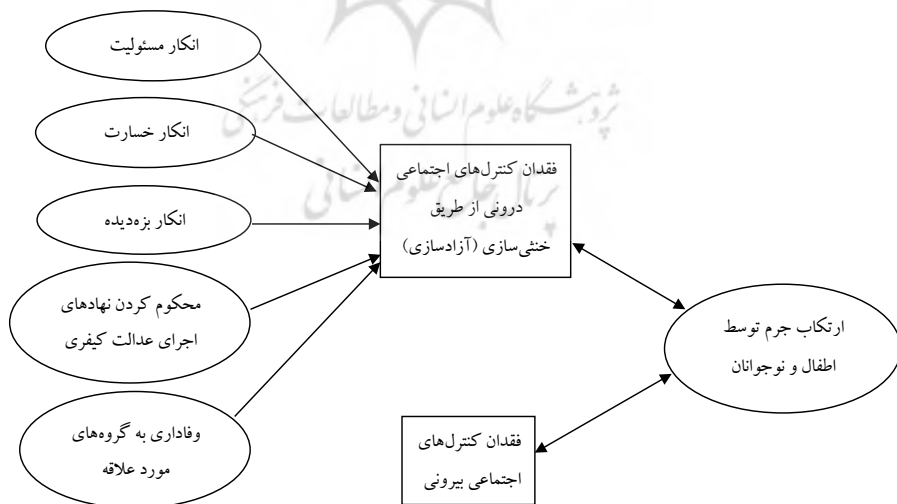
در این پژوهش نیز نویسندگان اثبات می‌کنند که فنون خنثی‌سازی برای ارتکاب رفتار منحرفانه مذکور توسط کارمندان به‌کار می‌رود. مورد دیگر مقاله «فنون خنثی‌سازی، تصمیم بر جرم و سرقت‌های اطفال و نوجوانان» (۲۰۰۸) نوشته جسیکا لی است که در آن سرقت به‌عنوان یک جرم شایع بین اطفال و نوجوانان هنگ‌کنگ از دیدگاه نظریه فنون خنثی‌سازی جرم مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج این پژوهش که در آن محقق در یک بازه زمانی هجده‌ماهه به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته است، نشان می‌دهد که اطفال و نوجوانان بیشتر از فنون انکار خسارت و انکار مسئولیت استفاده می‌کنند. ولکان توپالی نیز در پژوهش «وقتی خوب بودن، بد است: گسترش نظریه خنثی‌سازی» (۲۰۰۵)، به بررسی جرائم خیابانی و خشونت از زاویه دید این نظریه به تحقیق پرداخته است. در این تحقیق، افراد مورد مطالعه از نظر سنی بین ۱۵ تا ۵۴ سال قرار داشتند و میانگین سنی نیز ۲۵ سال بود؛ همه نمونه‌ها نیز آمریکایی آفریقایی‌تبار بودند. این پژوهش به روش مصاحبه انجام شده و مصاحبه با هر نمونه حدود ۴۵ تا ۱۲۰ دقیقه زمان برده است. در پایان نتایج تحلیل داده‌ها اثبات می‌کند که فنون خنثی‌سازی در ارتکاب جرائم خشن مؤثر است و تأکید بر فرایندهای شناختی قبل از وقوع جرم است و دیگر اینکه ارتباطی میان جرائم خشن و نوع نژاد افراد وجود ندارد. در آخر، نیکول لیپر و همکارانش در مقاله «بررسی نقش معاشرت ترجیحی و فنون خنثی‌سازی در تشریح جرائم مشارکتی» (۲۰۱۵) به بررسی جرائم یقه‌سفیدان از دیدگاه این نظریه پرداختند. همچنین ده‌ها پژوهش میدانی دیگر مرتبط با موضوع نیز وجود دارد که ذکر آن از حوصله این نوشتار خارج است.

پس از شرح پیشینه پژوهش لازم است بیان گردد که تحقیق پیش رو از این جهت که برای اولین بار ذیل یک پژوهش میدانی به آزمون تجربی فنون خنثی‌سازی پرداخته، در ایران بی‌سابقه است. همچنین مطالعه و بررسی علل بزهکاری اطفال و نوجوانان از دیدگاه نظریه جرم‌شناسانه فنون خنثی‌سازی نیز در کشورمان سابقه ندارد. مهم‌تر اینکه پژوهش پیش رو از آن جهت که مطالعات میدانی خود را برای بررسی نظریه مذکور بر روی جمعی از اطفال و نوجوانان محکوم و محبوس

در یک مرکز اصلاحی - تربیتی متمرکز کرده، می‌تواند متمایز از پژوهش‌های انجام شده به زبان انگلیسی باشد. رسالت اصلی جرم‌شناسی همواره کاهش نرخ بزهکاری، کنترل جرم و ایجاد تسالم اجتماعی است، از این رو، بومی‌سازی جرم‌شناسی در راستای نیل به این اهداف اهمیت بالایی دارد (نجفی توانا و سهرابی اسمرود، ۱۴۰۰: ۳۳۲-۳۳۱). یکی از آسیب‌های نظریات جرم‌شناسی وارداتی این است که بدون توجه به مؤلفه‌های بومی و محلی وارد ادبیات جرم‌شناسی کشور مقصد می‌شود. بعضی از این نظریات با نتایج منفی در کشورهای دیگر مواجه شده است (سهرابی اسمرود و نجفی توانا، ۱۴۰۱: ۱۲۵). برای تحقق علم بومی، ضروری است جنبه‌های تقلیدی از چهره آن زدوده شود و دانش تولیدشده با شرایط مکانی سازگار گردد به‌ویژه با در نظر گرفتن مؤلفه‌های فرهنگی، اعتقادی و زبانی هر جامعه، تا علم حاصل پاسخ‌گوی واقعی نیازهای بومی باشد (زینالی، ۱۳۹۲: ۶۷-۶۵). بنابراین آزمون عملی نظریه فنون خنثی‌سازی در مورد بزهکاران اطفال و نوجوان در کانون اصلاح و تربیت به سنجش این نظریه و بومی‌سازی آن متناسب با شرایط و ذهنیت بزهکاران اطفال و نوجوان در ایران منجر خواهد شد.

مدل مفهومی پژوهش

مدل مفهومی تحقیق که نگارندگان آن را طراحی کرده‌اند، در شکل شماره یک به تصویر کشیده شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی است و بر روی اطفال و نوجوانان بزهکار در کانون اصلاح و تربیت استان خراسان رضوی صورت گرفته است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش کانون اصلاح و تربیت استان خراسان رضوی در سال ۱۴۰۳ می‌باشد که به‌طور کلی دارای ۴۰ نفر جمعیت بزهکار (محکوم‌علیه) است که همگی در دسته اطفال و نوجوانان قرار می‌گیرند. در فرایند پژوهش، به استثناء دو نفر از محکومان که در مرخصی بودند و نیز دو نفر که حاضر به همکاری نبودند، تمامی محکومان مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسش‌نامه محقق‌ساخته می‌باشد. برای تهیه این پرسش‌نامه، از سؤالات مصاحبه انجام‌شده توسط برایان بایرس و همکارانش در مقاله‌ای با عنوان «محرک جرائم مبتنی بر نفرت» الهام‌گیری شده و بهره‌برده شده است. این پرسش‌نامه پنج سرمؤلفه و بیست گویه دارد. گزینه‌های تمامی پرسش‌های پرسش‌نامه بر اساس مقیاس لیکرت پنج نقطه طراحی و تنظیم شده‌اند. پرسش‌نامه مذکور محقق‌ساخته است و روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفته و در این زمینه از نظر صاحب‌نظران متخصص استفاده شده است. بررسی پایایی نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ صورت می‌گیرد. در این قسمت مقدار ضریب به دست آمده برای متغیرهای تحقیق بعد از انجام روایی به شرح جدول زیر ارائه شده است. همان‌طور که در جدول زیر مشاهده می‌گردد، مقدار ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۶۷۸ می‌باشد که بیان‌گر پایایی نسبتاً قابل قبول است.

جدول ۱- ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای اصلی تحقیق

نام متغیر	تعداد سؤالات	آلفای کرونباخ متغیرها
فنون خنثی‌سازی در جرائم	۱-۲۰	۰,۶۷۸

با توجه به اینکه پایایی پرسشنامه کمتر از ۰/۷ شده، باید سؤالاتی که پایایی را با مشکل مواجه کرده حذف نمود. با توجه به نتایج تحلیل، همبستگی گویه ۱۴ برابر ۰/۴۶۱- است و باید حذف شود.

جدول ۲- ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای اصلی تحقیق

نام متغیر	تعداد سؤالات	آلفای کرونباخ متغیرها
فنون خنثی‌سازی در جرائم	۱-۱۹	۰,۷۳۲

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده می‌شود، پس از حذف گویه ۱۴، پایایی پرسشنامه به مقدار بیشتر از ۰/۷ افزایش یافت و مورد تأیید قرار گرفت. پس از نهایی شدن پرسش‌نامه و جلب اطمینان نمونه‌ها درخصوص مکتوم ماندن هویت آنها، پرسش‌نامه‌ها توسط تمامی نمونه‌ها و بدون نام تکمیل گردید. این فرایند طی یک روز کامل انجام شد، به شرحی که با مراجعه به کانون اصلاح و تربیت، نمونه‌ها یک‌به‌یک وارد محل مربوط شدند و پرسش‌نامه را تکمیل کردند. پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS ۲۴ استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

در این بخش به تحلیل آزمون انجام شده پرداخته می‌شود و در ادامه فرضیات پژوهش یک‌به‌یک بررسی می‌شود.

۵-۱. آمار توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش

درخصوص جنسیت گروه نمونه ۸۵/۲ درصد از حجم نمونه را پسران و ۱۴/۸ درصد از حجم نمونه را دختران تشکیل داده‌اند. درخصوص وضعیت مالی افراد نیز ۱۸/۵ درصد افراد دارای وضعیت مالی متوسط و ۸۱/۵ درصد دارای وضعیت ضعیف هستند. همچنین درخصوص میزان تحصیلات، افراد با سطح تحصیلات بالای سیکل ۱۱/۱ درصد، ابتدایی ۵۹/۳ درصد و افراد بی‌سواد ۲۹/۶ درصد حجم نمونه را به خود اختصاص داده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۵-۱. آمار توصیفی گویه‌های پرسش‌نامه

جدول ۳- آمار توصیفی گویه‌های پرسش‌نامه

فنون خنثی‌سازی	شماره گویه‌ها	میلگین (از ۰ تا ۵)	کاملاً موافقم	موافقم ندارم	مخالقم کاملاً	مخالقم
انکار مسئولیت	۱- اگر کسی با قصد و نیت درست جرمی انجام دهد، کار بدی نکرده است.	۲,۲۶	۱۰	۴	۰	۹
	۲- اگر کسی عمداً تو را کتک بزند، تو حق داری از او انتقام بگیری.	۲,۷۸	۱۳	۵	۱	۶
	۳- بعضی اوقات خانواده بد باعث می‌شود افراد مجرم شوند.	۳,۲۶	۱۲	۱۱	۳	۱
	۴- برای گرفتن حق خودت، درگیر شدن هیچ ایرادی ندارد.	۲,۹۳	۱۳	۵	۳	۶
	۵- خیلی وقت‌ها شرایط نابرابر اقتصادی در جامعه باعث می‌شود افراد سرقت کنند.	۲,۷۴	۱۴	۵	۰	۳
انکار خسارت	۶- خیلی از کارهایی که مردم فکر می‌کنند جرم است، اصلاً به کسی آسیبی نمی‌رساند.	۲,۴۸	۱۱	۴	۱	۹
	۷- برداشتن وسایل دولتی هیچ اشکالی ندارد، چون آن وسایل در اصل مال خود مردم است.	۱,۴۸	۴	۴	۲	۸
	۸- فحش دادن در جمع دوستان به کسی ضرر نمی‌زند.	۱,۵۲	۸	۱	۱	۴
	۹- وقتی دولت همیشه حق ما را می‌خورد، من هم باید حق خودم را هر جور شده از دولت بگیرم.	۳,۵۶	۲۱	۳	۱	۱
	۱۰- دزدیدن مال از افراد خیلی پولدار اصلاً ایرادی ندارد، چون به آنها ضرری نمی‌زند.	۱,۶۳	۶	۶	۰	۲
	۱۱- برداشتن وسایل دوستان و افراد خانواده اصلاً دزدی حساب نمی‌شود.	۱,۲۲	۳	۴	۳	۳

۱	۳	۱	۵	۱۷	۳,۲۶	۱۲- بعضی وقت‌ها قلدری کردن برای بعضی آدم‌ها حقشان است.	انکار بزه‌دیده
۱	۴	۰	۶	۱۳	۳,۰۷	۱۳- بعضی بچه‌ها لازم است گوش‌مالی بشوند تا ادب شوند.	
۶	۷	۵	۰	۹	۱,۹۶	۱۵- کتک‌کاری چندتا دوست و رفیق با همدیگر اصلاً چیز مهمی نیست.	
۱	۰	۰	۶	۲۰	۳,۶۳	۱۶- خیلی از پلیس‌ها خودشان آدم‌های نادرستی هستند، پس حق ندارند به مردم گیر بدهند.	محکوم کردن محکوم‌کنندگان
۰	۰	۰	۷	۲۰	۳,۷۴	۱۷- همه آدم‌ها توی زندگی‌شان بعضی وقت‌ها مرتکب جرم می‌شوند، اما حالا همه من را سرزنش می‌کنند.	
۲	۶	۳	۱	۱۵	۲,۷۸	۱۸- وقتی خود قانون به آدم‌ها ظلم می‌کند، نباید از قانون اطاعت کرد.	
۱۴	۲	۷	۱	۳	۲,۸۵	۱۹- اگر کسی با دوست ما درگیر شود، ما باید به دوستان کمک کنیم.	وفاداری به گروه‌های مورد علاقه
۱۱	۵	۴	۰	۷	۱,۵۲	۲۰- برای کمک به دوست هرکاری باشد انجام می‌دهم، حتی اگر خلاف باشد.	

۵-۱-۲. آمار توصیفی فراوانی فنون خنثی‌سازی

جدول ۴- آمار توصیفی فراوانی فنون خنثی‌سازی

میانگین (از ۰ تا ۵)	فنون خنثی‌سازی
۲,۷۹۲۶	انکار مسئولیت
۱,۹۸۱۵	انکار خسارت
۲,۷۶۵۴	انکار بزه‌دیده
۳,۳۸۲۷	محکوم کردن محکوم‌کنندگان
۲,۱۸۵۲	وفاداری به گروه‌های مورد علاقه

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، فن محکوم کردن محکوم‌کنندگان با میانگین ۳/۳۸ بیشترین میانگین را دارد. درواقع، در این مکانیسم مرتکب قبل از هر چیز، حالتی تهاجمی به خود می‌گیرد و معتقد است که خطای وی در مقابل خطای مجریان قانون و کسانی که دائماً به وی خرده می‌گیرند، بسیار ناچیز است. مرتکب در استفاده از این فن، به نوعی در مقابل خطای خود به یک خطا و تقصیر واقعی و بزرگ‌تر توجه دارد که دقیقاً از سوی کسانی رخ می‌دهد که وی را محکوم می‌کنند. این توضیحات در مورد فن مذکور و داده‌های مربوط به آن به‌نوعی یادآور رویکرد تضاد^۱ است؛ رویکردی که در اغلب روایت‌های خود حکایت از تسلط و کنترل یک گروه بر رفتارهای گروه دیگر دارد و این درحالی است که رفتارهای گروه مسلط بسیار خطرناک‌تر، مخفیانه و کشف آن نیز دشوارتر است. نتایج داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مرتکبان نسبت به این مناسبات طبقاتی بی‌تفاوت و خنثی نیستند و در توجیه ارتکاب بزه به آن توجه دارند و در ارتکاب هر جرمی، تقابل و جنگ خود را با گروه یا نمایندگان گروهی که آنها را محکوم می‌کنند، اعلام می‌دارند. در ادامه قابل ذکر است که فن انکار خسارت دارای کمترین میانگین (۱/۹۸) می‌باشد.

۵-۱-۳. بررسی فرضیه‌های اول تا ششم تحقیق

۱. به‌کارگیری فنون خنثی‌سازی جرم توسط اطفال و نوجوانان، در آزادسازی کنترل‌های اجتماعی درونی و در نتیجه ارتکاب بزه توسط این افراد مؤثر است.
۲. استفاده از شیوه «انکار مسئولیت» توسط مرتکب، در آزادسازی کنترل‌های اجتماعی درونی و توجیه و تسهیل ارتکاب جرم مؤثر است.
۳. استفاده از شیوه «انکار خسارت» توسط مرتکب، در آزادسازی کنترل‌های اجتماعی درونی و توجیه و تسهیل ارتکاب جرم مؤثر است.
۴. استفاده از شیوه «انکار بزه‌دیده» توسط مرتکب، در آزادسازی کنترل‌های اجتماعی درونی و توجیه و تسهیل ارتکاب جرم مؤثر است.
۵. استفاده از فن «محکوم کردن محکوم‌کنندگان» توسط مرتکب، در آزادسازی کنترل‌های اجتماعی درونی و توجیه و تسهیل ارتکاب جرم مؤثر است.
۶. استفاده از فن «وفاداری به گروه‌های مورد علاقه» توسط مرتکب، در آزادسازی کنترل‌های اجتماعی درونی و توجیه و تسهیل ارتکاب جرم مؤثر است.

جدول ۵- نتایج آزمون t تک نمونه ای در مورد فرضیات اول تا ششم

میانگین جامعه = ۲					
نام متغیر	اختلاف میانگین	آماره آزمون t	سطح معناداری	فاصله اطمینان ۹۵٪	
				کران بالا	کران پایین
فنون خنثی سازی جرم	۲,۵۴	۲۵,۳۸۷	۰,۰۰۰	۲,۳۳	۲,۷۵
انکار مسئولیت	۲,۷۹	۲۱,۵۴۱	۰,۰۰۰	۲,۵۲	۳,۰۵
انکار خسارت	۱,۹۸	۱۲,۰۲۱	۰,۰۰۰	۱,۶۴	۲,۳۲
انکار بزه دیده	۲,۷۶	۱۴,۹۰	۰,۰۰۰	۲,۳۸	۳,۱۴
محکوم کردن محکوم کنندگان	۳,۳۸	۲۴,۵۱۸	۰,۰۰۰	۳,۱۰	۳,۶۶
وفاداری به گروه های مورد علاقه	۲,۱۸	۹,۱۴۶	۰,۰۰۰	۱,۶۹	۲,۶۷

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول بالا، مقدار سطح معناداری متغیرهای فوق همگی برابر با $p\text{-value}=0.000$ می باشد که نشان می دهد به کارگیری فنون خنثی سازی جرم به طور کلی توسط اطفال و نوجوانان در آزادسازی کنترل های اجتماعی درونی آنان مؤثر است. همچنین استفاده از تمامی فنون توسط افراد جامعه نیز مورد تأیید می باشد. با توجه به اینکه اندازه نمونه در مقاله حاضر کوچک است، نمی توان از قضیه حد مرکزی برای بررسی توزیع داده ها استفاده کرد، بنابراین از آماره t استفاده می شود. مقدار آماره t محاسبه شده در مورد تمام شش متغیر فوق به ترتیب $t=۲۵,۳۸$ ، $t=۲۱,۵۴$ ، $t=۱۲,۰۲۱$ ، $t=۱۴,۹۰$ ، $t=۲۴,۵۱۸$ و $t=۹,۲۶$ است که همگی در سطح $۰/۰۰۱$ معنادار است. همچنین مقایسه اختلاف میانگین این عوامل به ترتیب $M=۲,۷۹$ ، $M=۲,۵۴$ ، $M=۱,۹۸$ ، $M=۲,۷۹$ ، $M=۳,۳۸$ و $M=۲,۱۸$ می باشد که در مورد تمام متغیرها جز متغیر فن انکار خسارت، از میانگین جامعه بیشتر است؛ بنابراین می توان گفت که به کارگیری فنون خنثی سازی جرم توسط اطفال و نوجوانان در آزادسازی کنترل های اجتماعی درونی و در نتیجه ارتکاب بزه توسط این افراد مؤثر است که این امر نشان دهنده اعتبار نظریه و قابلیت تطابق آن با بزهکاری اطفال و نوجوانان در ایران است.

۷. شیوه های «انکار مسئولیت» و «محکوم کردن محکوم کنندگان» بیشترین فراوانی استفاده را توسط اطفال و نوجوانان بزهکار دارد. با توجه به تحلیل فرضیه های قبلی مشاهده می شود که این فرضیه در یک قسمت اثبات و

در قسمت دیگر رد شده است. به عبارتی، با توجه به نتایج تحلیل روشن شد که شیوه‌های انکار مسئولیت و محکوم کردن محکوم‌کنندگان بیشترین فراوانی استفاده توسط اطفال و نوجوانان را دارد، در حالی که نتایج پژوهش در مورد شیوه انکار خسارت طور دیگری می‌نماید؛ بدین شرح که فن انکار خسارت نسبت به فنون دیگر کمترین فراوانی استفاده را دارد.

۸. به کارگیری فنون خنثی سازی جرم توسط اطفال و نوجوانان پسر بیشتر از دختران است.

جدول ۶- بررسی اختلاف فنون خنثی سازی جرم در جنسیت

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
میان گروه‌ها	۰٫۹۵۱	۸	۰٫۱۱۹	۰٫۳۵۱	۰٫۹۳۳
درون گروه‌ها	۶٫۱۰۱	۱۸	۰٫۳۳۹		
کل	۷٫۰۵۲	۲۶			

سطح معناداری به دست آمده ($p\text{-value}=0.933$) نشان می‌دهد که فنون خنثی سازی جرم در بین دختران و پسران متفاوت نیست و نمی‌توان گفت که میزان استفاده پسران از این فنون بیش از دختران است؛ در نتیجه فرضیه تحقیق رد می‌شود. به عبارت دیگر، میان فنون خنثی سازی جرم و جنسیت افراد رابطه معناداری وجود ندارد.

۹. به کارگیری فنون خنثی سازی جرم توسط اطفال و نوجوانان دارای وضعیت اقتصادی ضعیف بیشتر است.

جدول ۷- بررسی اختلاف فنون خنثی سازی جرم در وضعیت اقتصادی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
میان گروه‌ها	۰٫۳۰۹	۱	۰٫۳۰۹	۱٫۱۴۶	۰٫۲۹۵
درون گروه‌ها	۶٫۷۴۳	۲۵	۰٫۲۷۰		
کل	۷٫۰۵۲	۲۶			

شاید در تحلیل‌های اولیه این طور به نظر برسد که به کارگیری فنون خنثی سازی جرم در میان اقشار ضعیف جامعه به لحاظ اقتصادی رایج تر باشد، اما سطح معناداری به دست آمده ($p\text{-value}=0.295$)

نشان می دهد به کارگیری این فنون در شرایط اقتصادی متفاوت نیست و نمی توان گفت که افراد دارای وضعیت اقتصادی ضعیف، بیشتر از افراد دارای وضعیت متوسط یا خوب به فنون مذکور متوسل می شوند؛ در نتیجه فرضیه تحقیق رد می شود. به عبارتی، بین فنون خنثی سازی جرم و شرایط اقتصادی افراد رابطه معناداری وجود ندارد.

۱۰. به کارگیری فنون خنثی سازی جرم توسط اطفال و نوجوانان در جرائم علیه اموال بیشتر است.

جدول ۸- بررسی اختلاف فنون خنثی سازی جرم در نوع جرم

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
میان گروه ها	۰,۲۲۱	۳	۰,۰۷۴	۰,۲۴۹	۰,۸۶۲
درون گروه ها	۶,۸۳۰	۲۳	۰,۲۹۷		
کل	۷,۰۵۲	۲۶			

سطح معناداری به دست آمده ($p\text{-value}=0.862$) نشان می دهد که فنون خنثی سازی جرم در نوع جرم متفاوت نیست و در نتیجه فرضیه تحقیق رد می شود. به تعبیر دیگر، میان فنون خنثی سازی جرم و نوع جرم افراد رابطه معناداری وجود ندارد.

در پایان، بحث پژوهش های مرتبط قابل طرح است. همان گونه که در بخش پیشینه پژوهش گذشت، پژوهش های میدانی به زبان انگلیسی سابقاً در این حوزه انجام شده است که مقایسه نتایج پژوهش پیش رو با نتایج به دست آمده در آنها لازم می نماید. به عنوان مثال، در پژوهشی که ونلی لی با استفاده از روش پرسش نامه در مورد به کارگیری فنون خنثی سازی در سوء استفاده از اینترنت اداره توسط کارمندان داشته است، فرضیات وی در خصوص استفاده از فنون خنثی سازی، جز در مورد فن انکار مسئولیت، با سطح معناداری $P<0.01$ مورد تأیید قرار گرفته است. مطابق نتایج داده ها در این پژوهش، استفاده از فن انکار مسئولیت در میان جامعه مورد مطالعه تأیید نشد. با این حال، می توان گفت که نتایج پژوهش پیش رو به طور کلی همسو با نتایج پژوهش ونلی لی می باشد. در همین راستا نتایج به دست آمده در این پژوهش با نتایج پژوهش انجام شده توسط برایان بایرس و همکارانش نیز همخوانی دارد. در آن پژوهش که با استفاده از روش مصاحبه با تعدادی از مرتکبان جرائم مبتنی بر نفرت انجام گرفته است، به کارگیری فنون خنثی سازی توسط مرتکبان برای توجیه جرم تأیید می گردد. همچنین نتایج پژوهش ولکان توپالی در خصوص به کارگیری فنون خنثی سازی در خشنونت های خیابانی، توسط نتایج به دست آمده در پژوهش پیش رو تأیید می شود.

نتیجه

نظریه جرم‌شناختی فنون خنثی‌سازی جرم آغازگر رویکردهای درون‌گرایانه به علل جرم بود، زمانی که آزادسازی کنترل‌های اجتماعی درونی افراد توسط این فنون را توجیه‌گر و تسهیل‌کننده ارتکاب جرم تلقی نمود. درواقع مطابق این نظریه، مجرمان آگاه به هنجارهای جمعی بوده و حتی ارزش‌های اجتماعی را نیز در خود درونی نموده‌اند، اما عواملی را که موجب می‌گردد این هنجارها توسط مرتکب دور زده شود و کنترل‌های اجتماعی درونی آزاد شوند، باید بررسی کرد. این عوامل در نظریه مذکور تحت عنوان فنون خنثی‌سازی جرم معرفی می‌شوند. فنون خنثی‌سازی بیش از آنکه علل بزهکاری اطفال و نوجوانان را تبیین نماید، بزهکاری آنها را توجیه می‌کند. مطابق با این نظریه، مجرم از مکانیسم‌های روانی و کلامی خاص برای کاهش عذاب وجدان، حفظ خودپنداره اخلاقی و در نهایت توجیه رفتار انحرافی خود استفاده می‌کند.

در پژوهش پیش‌رو نگارندگان به آزمون تجربی این نظریه در مورد تمامی اطفال و نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت خراسان رضوی پرداخته و طی انجام تحقیق از طریق تکمیل پرسش‌نامه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده، فرضیات تحقیق را بررسی کرده‌اند. با توجه به نتایج به‌دست آمده، مشاهده می‌گردد که هر شش فرضیه اصلی تحقیق به اثبات رسیده است. به عبارت دیگر، نتایج تحلیل‌ها نشان می‌دهد که به‌کارگیری فنون خنثی‌سازی جرم توسط اطفال و نوجوانان در آزادسازی کنترل‌های اجتماعی درونی آنان و به تبع آن در توجیه و تسهیل ارتکاب جرم مؤثر است. نتایج حاصل از پژوهش گویای آن است که اطفال و نوجوانان مذکور که همگی در دسته محکومان قرار دارند، در ارتکاب جرم از فنون خنثی‌سازی استفاده کرده‌اند و میان ارتکاب جرم توسط آنها و استفاده از این فنون و آزادسازی کنترل‌های اجتماعی درونی رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین می‌توان با ارزیابی شاخص‌های حاکم بر جرائم اطفال و نوجوانان و ارائه سازوکارهای پیشگیرانه جهت حذف عوامل توجیه‌کننده بزه و تقویت کنترل‌های درونی در حد امکان، به کاهش جرم در این حوزه امیدوار بود.

بر اساس یافته‌های پژوهش، مکانیسم «محکوم کردن محکوم‌کنندگان» بیشترین فراوانی استفاده در اطفال و نوجوانان بزهکار را دارد که نشان می‌دهد که آنها بیش از سایر فنون، از راهبرد فرافکنی‌تقصیر به نهادهای رسمی، قانون و نظام عدالت‌کیفری برای موجه‌سازی رفتار خود استفاده می‌کنند. این امر می‌تواند نشان از بی‌اعتمادی به ساختارهای تنبیهی و عدم مشروعیت سازوکارهای کنترل رسمی در ذهن آنها باشد. پس از آن، بیشترین فراوانی مربوط به فن «انکار مسئولیت و انکار بزه‌دیده» می‌باشد که نشان می‌دهد بسیاری از نوجوانان تلاش می‌کند تا بار اخلاقی جرم را با استناد به عوامل بیرونی - نظیر شرایط خانوادگی، فشار اقتصادی یا استحقاق

بزه‌دیده جرم - کاهش دهند. همچنین فنون «انکار خسارت و وفاداری به گروه‌های مورد علاقه» با کمترین میزان فراوانی، بیانگر آن است که اطفال و نوجوانان بزهکار کمتر تلاش کرده‌اند که آسیب رفتار خود را نادیده بگیرند یا آن را در مقام دفاع از وفاداری‌های گروهی تبیین کنند. بنابراین این الگو نشان می‌دهد که اطفال و نوجوانان مورد مطالعه، بیشتر از فنونی استفاده می‌کنند که بر انتقال بار گناه به نظام قضاوت‌کننده یا شرایط محیطی تأکید دارد، تا آنکه بخواهند وقوع آسیب را منکر شوند. بدین ترتیب، تمرکز بر اصلاح و بازسازی رابطه اطفال و نوجوانان با ساختارهای اجتماعی، ایجاد اعتماد نسبت به نظام عدالت، ارتقای خودپذیری و هم‌نوایی با جامعه به منظور از بین بردن فنون خنثی‌سازی، ضروری می‌نماید.

نظریه فنون خنثی‌سازی از جمله نظریات خرده‌محور است و ادعا می‌کند که انسان قربانی جبر اقتصادی و فرهنگی نیست، بلکه بزهکار یک عامل فعال و انتخابگر می‌باشد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که میان وضعیت اقتصادی و مکانیسم‌های خنثی‌سازی رابطه معناداری وجود ندارد و به نوعی مهر تأییدی بر این ادعا است. این امر برخلاف انتظارات نظری در بسیاری از تحلیل‌های جرم‌شناسی است. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که فنون خنثی‌سازی بیشتر یک سازوکار کلامی و ذهنی است تا آنکه متکی بر موقعیت اقتصادی باشد و بزهکاران اطفال و نوجوان با وضعیت اقتصادی ضعیف، ارتکاب جرم را با فقر و احساس نابرابری توجیه نمی‌کنند. علاوه بر این، پژوهش نشان می‌دهد که میان فنون خنثی‌سازی و جنسیت بزهکاران اطفال و نوجوان رابطه معناداری وجود ندارد.

درباره اثربخشی نظریه فنون خنثی‌سازی در نظام حقوقی می‌توان گفت که گرچه سایکس و ماتزا خود راهبردهای اجرایی مستقلی ارائه نکرده‌اند، اما تحلیل هریک از فنون خنثی‌سازی می‌تواند مبنایی برای تدوین سیاست‌های جنایی هدفمند، مداخلات تقنینی و برنامه‌های قضایی و اجتماعی اصلاح‌محور در نظام حقوقی باشد. بدین ترتیب تکنیک انکار مسئولیت را می‌توان با ارتقای سیاست اجتماعی حاکم بر جامعه کاهش داد. آنگاه که محیط اجتماعی در نگاه افراد غیر عادلانه شناخته نشود، افراد کمتری می‌توانند عوامل محیطی را مقصر رفتار مجرمانه خود بدانند. بنابراین نظام قانون‌گذاری باید به‌گونه‌ای سیاست‌های کیفری را طراحی کند که درک عمومی از بی‌عدالتی را کاهش دهد. تصویب قوانین شفاف، منصفانه و قابل پیش‌بینی راهی برای کاهش استناد به این فن است. استفاده از فن انکار آسیب را می‌توان با ارتقای آموزش ارزش‌ها و قواعد اخلاقی توسط توسط خانواده و مدرسه کاهش داد. در مواجهه با تکنیک انکار بزه‌دیده، نظام دادرسی می‌تواند از روش‌های عدالت ترمیمی مانند میانجی‌گری و هم‌اندیشی بزهکار - بزه‌دیده استفاده کند تا بزهکار با نتایج رفتار خود روبه‌رو شود و بار روانی توجیه را از بین ببرد. فن تقبیح محکوم‌کنندگان را

می‌توان از طریق ارتقای سطح عدالت و اصلاح ساختارهای پلیسی و قضایی تا سطح زیادی کاهش داد. به عبارت دیگر، از آنجا که یکی از توجیهات بزهکاران بی‌اعتمادی به مجریان قانون است، برای خنثی کردن فن تقبیح محکوم‌کنندگان، نظام قضایی و پلیسی باید با شفاف‌سازی رویه‌ها، رفتار منصفانه و رعایت کرامت انسانی، مشروعیت خود را در ذهن جامعه تقویت نماید. نهایتاً تکنیک توسل به وفاداری به گروه‌های مورد علاقه را که ناشی از درونی‌سازی نشدن هنجارهای اجتماعی به صورت کافی و مؤثر است، می‌توان با توسعه آموزش هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و تقدم بخشیدن آنها بر مسائل و اولویت‌های فردی و نیازهای نزدیکان اصلاح کرد (پاک‌نهاد، ۱۴۰۳: ۱۸۴-۱۸۳). بنابراین نظریه فنون خنثی‌سازی می‌تواند به عنوان چارچوبی برای اصلاح سیاست جنایی، سیاست‌های پیشگیرانه و اصلاح نظام دادرسی به کار گرفته شود. علاوه بر این، در نظام عدالت کیفری معمولاً با جرائم ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان با رویکردی حمایتی و متفاوت نسبت به بزرگسالان برخورد می‌شود. این تفاوت مبتنی بر ویژگی‌های سنی، شناختی و اجتماعی آنهاست که نیازمند مداخلات اصلاحی است. با این حال، مطابق با یافته‌های نظریه فنون خنثی‌سازی، چنین رویکردی نباید باعث شود که طفل و نوجوان ارتكاب جرم را بی‌اهمیت بداند یا آسیبی را که وارد کرده نادیده بگیرد. دستگاه عدالت باید این پیام را منتقل کند که ملایمت در واکنش به معنای نادیده گرفتن مسئولیت نیست، بلکه فرصتی برای پذیرش نتایج رفتار مجرمانه و آثار آن است تا از این طریق مانع تکرار مجدد جرم با توسل به فنون خنثی‌ساز شود.

در نهایت این پژوهش با بررسی نظریه فنون خنثی‌سازی در بزهکاری اطفال و نوجوانان ثابت می‌کند که این نظریه در تحلیل رفتار بزهکارانه اطفال و نوجوانان ایرانی قابل اعمال است و با شناسایی الگوهای توجیهی رایج در میان آنها، قابلیت اثبات تجربی و کاربردی در بستر فرهنگی و اجتماعی کشور را نیز دارد. از این رو، این بررسی می‌تواند گامی مؤثر در جهت بومی‌سازی نظریه و تقویت کارآمدی آن در سیاست‌های اصلاحی و تربیتی نظام عدالت کیفری ایران باشد. همچنین به پژوهشگران توصیه می‌شود که در تحقیقات آتی از فنون متفاوت دیگری که در فرهنگ بومی رایج است (مانند تقدیرگرایی)، در راستای توسعه نظریه و بومی‌سازی هر چه بیشتر آن استفاده کنند.

منابع

۱. آذری متین، افشین؛ میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۹۵). رویکرد جرم‌شناختی به جعل هویت برای ارتکاب کلاهبرداری، آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳(۱۲)، ۶۴-۳۵.
۲. ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۲). تحلیل جرم‌شناختی جرائم مأموران نظام مالیاتی از منظر فنون خنثی سازی، در: ارتقاء سلامت اداری نظام مالیاتی، به کوشش شهرام ابراهیمی، تهران: میزان.
۳. اوبراین، مارتین؛ یار، مجید. (۱۳۹۴). جرم‌شناسی (مفاهیم کلیدی)، ترجمه محمود میرخلیلی و جلال‌الدین حسانی، تهران: بهنامی.
۴. اکرمی سراب، روح‌الله؛ ساریخانی، عادل. (۱۳۹۲). کارکردهای پیشگیرانه شفافیت در سیاست جنایی، مجله حقوقی دادگستری، ۷۷(۸۲)، ۹۱-۱۱۶.
۵. ایزدی، عبدالله. (۱۴۰۰). تأثیر زیست مجازی بر گرایش‌های مجرمانه. رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، به راهنمایی شهرام ابراهیمی، دانشگاه شیراز.
۶. بولاغی، مهدی؛ رازقی، نادر. (۱۳۹۵). بساخت ذهنی رانندگان متخلف به دلیل تخلف از قوانین راهنمایی و رانندگی، مطالعات پژوهشی راهور، ۵(۱۶)، ۱۵۵-۱۸۰.
۷. پاک‌نهاد، امیر. (۱۴۰۳). دانشنامه جرم‌شناسی نظری. چاپ سوم، تهران: میزان.
۸. تاج خراسانی، سمیرا؛ غلامحسین مسعود؛ شکرچی زاده، محسن. (۱۴۰۱). نگاه بومی به نظریه کنترل اجتماعی جرم با توجه به مبانی اسلامی - ایرانی، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۰(۲۰)، ۳۴۵-۳۱۷.
۹. خواجه نوری، یاسمن؛ نیازپور، امیر حسین. (۱۳۹۴). پس‌گفتار مترجمان (پیشگیری از تکرار جرم)، در: دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، تهران: میزان.
۱۰. رحیمی‌نژاد، اسمعیل؛ آقاییاری، مهدی؛ قلی‌پور، غلامرضا. (۱۳۹۴). نظریه خنثی سازی جرم و ارتباط آن با عدالت ترمیمی، پژوهش حقوق کیفری، ۳(۱۵)، ۸۵-۱۱۲.
۱۱. زینالی، امیرحمزه. (۱۳۹۲). تأملی بر بومی سازی نظریات جرم‌شناسی در ایران، فصل تحول (دانشگاه تربیت مدرس)، ۲(۵)، ۷۸-۶۰.
۱۲. سهرابی اسمرود، مهران؛ نجفی توانا، علی. (۱۴۰۱). بومی سازی جرم‌شناسی در ایران: موانع و مقتضیات، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۳(۱)، ۱۲۳-۱۵۰.
۱۳. صفوی، امان‌الله. (۱۳۷۰). تئوری‌های انحراف، رشد آموزش علوم اجتماعی، ۶ و ۷، ۲۷-۲۲.
۱۴. غلامی دون، حسین؛ جوادی حسین‌آبادی، حسین. (۱۳۹۹). تحلیل تلفیقی جرم حکومتی در پرتو نظریه فنون خنثی سازی و مکانیسم‌های دفاعی، مطالعات حقوق کیفری، ۵۰(۱)، ۲۳۰-۲۰۷.
۱۵. کلاتی، سید فرید. (۱۳۹۷). تحلیل جرم‌شناختی پدیده خشونت در خانواده بر اساس نظریه دیوید مازتا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، به راهنمایی مهدی صبوری پور، دانشگاه علم و فرهنگ.
۱۶. مازتا، دیوید؛ سایکس، گرشام. (۱۳۹۰). فنون خنثی سازی کنترل‌های اجتماعی درونی بیرونی، تعالی حقوق، ۱۳ و ۱۴، ۲۱۴-۲۰۱.
۱۷. معظمی، شهلا؛ سیاوشی، سامان. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین باورهای اخلاقی و ارتکاب سرقت‌های خشن (مطالعه موردی زندان‌های تهران)، کنفرانس پژوهش در فقه، حقوق و علوم اسلامی. تهران: شرکت توسعه دانش فرزندگان.
۱۸. میرکمالی، سیدعلیرضا؛ حسینی، انسیه. (۱۳۹۴). کانون اصلاح و تربیت از منظر پیشگیری رشدمدار، پژوهش حقوق کیفری، ۴(۱۳)، ۹۳-۷۱.

۱۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۰). مباحثی در علوم جنایی (تقریرات دکتر نجفی ابرندآبادی)، به کوشش شهرام ابراهیمی، ویراست ششم.
۲۰. نجفی توانا، علی؛ سهرابی اسمرود، مهران. (۱۴۰۰). سرشت بومی سازی: درآمدی بر مفهوم بومی سازی جرم‌شناسی، آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۸ (۲۱)، ۳۶۴-۳۲۹.
۲۱. وایت، راب؛ هینز، فیونا. (۱۳۹۲). جرم و جرم‌شناسی. تهران: میزان.
۲۲. ولد، جرج؛ برنارد، توماس؛ اسنپس، جفری. (۱۳۹۶). جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)، ترجمه علی شجاعی، چاپ دهم، تهران: سمت.
۲۳. ویلیامز، فرانک پی؛ مک شین، ماری لین دی. (۱۳۹۳). نظریه‌های جرم‌شناسی، تهران: میزان.
۲۴. هاشمی، زهرا؛ راستگو جهرمی، شکوفه. (۱۳۹۵). تقلب در امتحان؛ چرا؟، نه‌مین کنفرانس آموزش شیمی در ایران. زنجان: دانشگاه زنجان.
۲۵. یاقوتی، هدی؛ علیخواه، فردین؛ بولاقي، مهدی. (۱۳۹۳). تقلب در امتحان: نگاهی از درون، راهبرد فرهنگ، ۷ (۲۷)، ۱۸۸-۱۶۱.

26. Agnew, R. (1994). **The Techniques of Neutralization and Violence**, Criminology, 32(4), 555-580. <https://doi.org/10.1111/j.1745-9125.1994.tb01165.x>
27. Ball, R. A. (1966). **An empirical exploration of Neutralization Theory**, criminology 4 (2).
28. Byers, Bryan and Crider, Benjamin W and Biggers, G. K. (1999). **Bias crime motivation: A study of hate crime and offender neutralization techniques used against the Amish**, Journal of Contemporary Criminal Justice, 15, 78--96.
29. Chi-mei, J. L. I. (2008). **Neutralization techniques, crime decision-making and juvenile thieves**, International Journal of Adolescence and Youth, 14(3), 251-265. <https://doi.org/10.1080/02673843.2008.9748006>
30. Kaptein, M., & Van Helvoort, M. (2019). A model of neutralization techniques. Deviant behavior, 40(10), 1260-1285.
31. Matza, D. (1964). **Delinquency and drift**, new york: john wiley and sons.
32. Minor, W. (1981). **techniques of neutralization: a reconceptualization and empirical examination**. *journal of research in crime and delinquency*, 297, 298.
33. Nicholson, J., & Higgins, G. E. (2017). **Neutralization/Drift theory**, In The encyclopedia of juvenile delinquency and justice (1st ed.), John Wiley & Sons Inc.
34. Nicole Leeper Piquero, Stephen G. Tibbetts & Michael B. Blankenship. (2005). **Examining the role of differential association and techniques of neutralization in explaining corporate crime**.
35. Piquero, N. L., Tibbetts, S. G., & Blankenship, M. B. (2005). **Examining the role of differential association and techniques of neutralization in explaining corporate crime**, Deviant Behavior, 26(2), 159-188. <https://doi.org/10.1080/01639620590881930>
36. Sheley, J. F. (1980). **Is neutralization necessary for criminal behavior?**, 49-72.
37. Sykes, Gresham M and Matza, D. (1957). **Techniques of neutralization: A theory of delinquency**, American Sociological Review, 22, 664--670.
38. Thomas Brian Priest, John H. McGrath Ill. (1970). **techniques of neutralization: young adult marijuana smokers**, criminology 8(2).
39. Topalli, V. (2005). **When Being Good Is Bad: an Expansion of Neutralization Theory**.
40. <https://en.m.wikipedia.org/wiki/Amish>